



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

مجلس شورای ملی - مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۱۹۴۵

شنبه ۲ آبان ۱۳۳۰

سال هفتم

شماره مسلسل ۱۹۴

دور شانزدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جامه ۱۹۳

صورت عروج مذاکرات مجلس روز ۱ شنبه

۲۸ مهر - ماه ۱۳۳۰

فهرست مطالب :

- ۱ - طرح صورت مجلس
- ۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان : آشتیانی زاده - مهدوی - کشاورز صدر - دولت آبادی و عدل
- ۳ - انتخاب یک نفر کارپرداز
- ۴ - طرح گزارش کمیسیون بودجه و اصلاحات
- ۵ - ختم جلسه بعنوان تنفس

مجلس ساعت ۵ و پنج دقیقه صبح بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - طرح صورت مجلس

رئیس - اسامی این قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) صورت غریب و دور آمدگی آقایان

پس از آن در جلسه صبح پنجشنبه است و پنج فوراً ۳۰

شاید با اجازه آقایان کیو - اردلان خان کیو - مهدوی - دکتر مصباح زاده

یوسف شکرانی - پارت نیا - عباس - حسین مجتهدی - قتیبه زاده - دکتر کاسه - دکتر شایگان - دکتر بقایی - انصاری - صالح - محمد - رانقاری - سالار

بهزاد - سیدزاده - جمال اسمعیل - دکتر نیا - طباطبائی - دکتر یوسف - دکتر آقاخان - دکتر محمد - بهادری - عزیززنگنه - برزنجی - پید

موقر - فرمان - خسرو نقاشی - نوبت حسن اکبر - تبهورتاش - فطعلی افشار - محسن طاهری - غضنفری - افشار صادقی - جواد مسعودی - معین زاده - صدر میرحسینی

رئیس - نسبت بصورت مجلس نظری نیست ؟ آقای نورالدین امامی فرمائید

نورالدین امامی - همانطوریکه صبح حضور معترض عرض کردم آقایان بهادری و افشار صادقی بواسطه گرفتاری در جلسه قبل نتوانستند شرفیاب بشوند استعفا می کنم امر فرمائید اصلاح بشود

رئیس - آذی فرهودی فرهودی - در عرایض جلسه گذشته بنده مختصر اشتباهاتی در صورت مجلس شده است که با اجازه مقام ریاست اصلاح می کنم و بنده نویسی می ده

ضمناً راجع بانقائاتی که اخیراً می گویند در شیراز رخ داده يك سئوالی از دولت کرده ام که تقدیم مقام ریاست می کنم

مکی - تلگرافاتی بواسطه بنده رسیده بود که داده خدمت آقای کاظمی رسیدگی میکنند

رئیس - آقای آشتیانی زاده فرمائید

بعضی از نمایندگان - صورت مجلس تصویب نشد ؟

آشتیانی زاده - صورت مجلس تصویب شد ؟

رئیس - فعلاً فرمائید بعداً تصویب می شود حالاً اکثریت نیست

( ۲ - بیانات قبل از دستور آقایان : آشتیانی زاده - مهدوی

کشاورز صدر - دولت آبادی و عدل )

آشتیانی زاده - چون عرایض بنده قدری مطول است - طولانی است می خواستم استعفا بکنم که مجلس اکثریت معترم مجلس با توره دقیقه وقت اضافی بنده مرحمت فرمائید

رئیس - عجلتاً صحبتتانرا بکنید

آشتیانی زاده - قبلاً اجازه بگیریم بهتر نیست قربان ؟

رئیس - نمی شود چون عرایض نیست رأی رأی

فرهودی - ببینید زمینت صحبتتان چیست بهترای می شنید

آشتیانی زاده - می رسد زمینت جوری باشد که بعد اجازه مرحمت فرمائید لازم است دره قدمه عرایضم از آقای

دکتر مصدق بمناسبت اظهارات صریحی که علیه صلاحیت شورای امنیت در مورد نفت ایران ایراد کردند تشکر کنم

در واقع دکتر مصدق بوعده که اینجای

داده بود وفا کرد و اشتباه و دکتر اردلان را جبران نمود اکنونکه دنیا از حقایق مبارزات ملت ایران اطلاع پیدا کرده است ما باید پیش از پیش در راه حفظ حقوق خودمان استقامت کنیم

ملت ایران همانطور که تاکنون نشان داده است زیر بار هیچگونه سازشی با امپریالیستها نخواهد رفت و مصمم است که صنعت نفت را در دست بگیرد و مستقیماً از آن بهره برداری کند از این بیمه هم با همان شهامت و استقامت ایستادگی خواهد کرد

بنده می خواستم در جلسه گذشته راجع به روح غضنفر علیخان اظهاراتی بکنم که از طرف آقایان اظهار شد ( بعضی از نمایندگان - لیاقت علیخان ) ( نورالدین امامی - لیاقت علیخان ) غضنفر علی خان

گضنفر علی خانرا خدا سلامتش بدارد ( پیششید لیاقت علیخان موضوع نفت بقدری عمده را کج کرده است که هیچکس توجه

توطئه های بی خبری که بر ضد اصول مشروطیت و آزادی می شود نیست آقای وزیر خارجه خوب توجه فرمائید چون این موضوع خیلی مهم است و شیطان های خطرناکی را که از توجه عموم به موضوع نفت استفاده کرده زمینت را برای نابود کردن مشروطیت آماده می کنند نمی بینید

رئیس - آقای دکتر مصدق با فراموشی اشتی کردند و چند نفر از آنها را در دستگاه حکومت خودشان شریک قراردادن از سنده دلی و حسن نیت دیگر

مصدق تعجب کرده و تشکر دارم که بیست و رؤسای فرانسوی از نفت آب و آتش است و بالاخره بکر از این دود دیگری را

از میان خواهد برد

دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه گرفتاری کرده و از روی غضنفر و گوشه افشانی در هر دو تنگ نمی خورد

دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه گرفتاری کرده و از روی غضنفر و گوشه افشانی در هر دو تنگ نمی خورد

دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه گرفتاری کرده و از روی غضنفر و گوشه افشانی در هر دو تنگ نمی خورد

دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه گرفتاری کرده و از روی غضنفر و گوشه افشانی در هر دو تنگ نمی خورد

دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه گرفتاری کرده و از روی غضنفر و گوشه افشانی در هر دو تنگ نمی خورد

دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه گرفتاری کرده و از روی غضنفر و گوشه افشانی در هر دو تنگ نمی خورد

دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه گرفتاری کرده و از روی غضنفر و گوشه افشانی در هر دو تنگ نمی خورد

دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه گرفتاری کرده و از روی غضنفر و گوشه افشانی در هر دو تنگ نمی خورد

دکتر مصدق که تمام کوششهای خودش را متوجه گرفتاری کرده و از روی غضنفر و گوشه افشانی در هر دو تنگ نمی خورد

و بکارهای دیگر مدافعه نمی کرد شاید بدون آنکه خودش متوجه باشد چنانکه فراموشیهای نشاندار و وزرای او که مرض خودشان هم این کاره بوده و هستند در تمام مقامات حساس مملکت قرار داده اند (شکرت راجی - کجا هستند مثلا؟) و با یک نقشه بسیار ماهرانه اول بر ضد خود دولت و بعد بر ضد کلیه مسکنانی که سر بر آستان از «گرا ندریان» سیر کرده اند مشغول فعالیت شدند -

تمام قانون شکنی ها تجاوزات سلب حقوق و آزادیهای مردم که در کثرت صدق در مدت هر خود برای جلوگیری از آن کوشش داشت و بر آنها ایراد می کرد در زمان حکومت خودش و شاید بدون اطلاع خودش و بدست خرابکارهایی که وزیر یا دست اندکار دولت بودند نکرده شد

تمام استقلال قضات سکه در دوره دیکتاتوری مرسوم بود و قضات را مانند بیست خدمت ادارات عرض می کردند و هدایه را مله اقرض خود فرار داده بودند و کثرت صدق بارها مسیبت آنها را فرین کرده بود در حکومت خودش بار دیگر جلوه گر گردید -

من بهیچوجه کاری بصلاحت یا عدم صلاحیت جانشین او ندارم ولی می رسم علت بر کداری دادستان کل چه بوده است؟ (صحیح است) آیا حائری شاه باغ رشوه گرفته بود؟ آیا قانون نمی دانست؟ آیا صلاحیت نداشت؟

چطور شد که تا چند ماه از حکومت کار آگاهی بشود شهربانی را تحت کنترل سخت گرفت و مانع از ارتکاب خیلی از جنایات شد

دست بسته زندانیان بی گناه و بدون تکلیف را که پلیس درمورخهای سلول ها چنانچه بود آزاد کرده هر کس باوشکایت می کرد بوظیفه قانونی خود عمل می نمود زیرا هر یکس که شرفت ناکار را بچنانی رساند که دستکهای پلیس کار آگاهی که رئیس شهربانی درصاحب خودش آنها را رشوه گیر و باج ستان از فاحشه ها معرفی کرده است برای پاپوش دوختن و توقیف بیجهت مردم دچار اشکال شدند و دیدند که تا حائری شاه باغ حافظ قانون و نظراجر است نمیشود دوره مختاری و بعد در گاهی را تجدید کرد

عرض می شود که همانطوریکه شروع کرده و آقای نورالدین امامی تصف فرمودند حرف بنده را قطع کرد - می خواهم عرض کنم که ما این بلا را پس خودمون آوردیم و هم آقای نورالدین امامی - آقای آشتیانی زاده آقای اخوی پاپوش دور نیست مردم یا کدامی است ولی بنده هم نظر آقایانم که نباید فاضی را عوض کرد (اینجا وقت بنده است که بگویی حاج سید نصرالله فتوی یکی از رؤسای بزرگ فراموشیها

بودند آقای امامی مرحوم حاج سید نصرالله یکی از بزرگن فراموشیها در ایران بوده تمام فراموشیها شریف هستند (نورالدین امامی - از آن کس مشروطیت بوده و خدمت کرده) با باین شهربانی اعمال خودش را با قانون تطبیق می کرد یا باید دادستان کل بدرجه یک مأمور کار آگاهی تزل می نمود چنانکه در دوره حکومت ۳۳ ساله چنین بود

وزارت دادگستری مستخدمه آقای مختاری بود تمام قضات سر سیرده شهربانی بودند هر روز رئیس شهربانی هر تصمیمی راجع بهر کس می گرفت آن فاضی که جرأت می کرد تمد کند دهنش را خورد میکردند و سینه می هم بهش میزدند و توی جیب می انداختندش (صحیح است) چون رابطه پلیس تربیت شده در گاهی و مختاری با قانون همانا مثل رابطه جن و بسم الله است بنابراین طریقه دوم را انتخاب کردند و برای تفرید دادستان شجاع و قانونی صبر کردند تا کثرت مدتی با آمریکا رفت و در قیاب ایشان این مرد رشید شریف را عوض کردند -

من بهیچوجه کاری بصلاحت یا عدم صلاحیت جانشین او ندارم ولی می رسم علت بر کداری دادستان کل چه بوده است؟ (صحیح است) آیا حائری شاه باغ رشوه گرفته بود؟ آیا قانون نمی دانست؟ آیا صلاحیت نداشت؟

چطور شد که تا چند ماه از حکومت کار آگاهی بشود شهربانی را تحت کنترل سخت گرفت و مانع از ارتکاب خیلی از جنایات شد

دست بسته زندانیان بی گناه و بدون تکلیف را که پلیس درمورخهای سلول ها چنانچه بود آزاد کرده هر کس باوشکایت می کرد بوظیفه قانونی خود عمل می نمود زیرا هر یکس که شرفت ناکار را بچنانی رساند که دستکهای پلیس کار آگاهی که رئیس شهربانی درصاحب خودش آنها را رشوه گیر و باج ستان از فاحشه ها معرفی کرده است برای پاپوش دوختن و توقیف بیجهت مردم دچار اشکال شدند و دیدند که تا حائری شاه باغ حافظ قانون و نظراجر است نمیشود دوره مختاری و بعد در گاهی را تجدید کرد

عرض می شود که همانطوریکه شروع کرده و آقای نورالدین امامی تصف فرمودند حرف بنده را قطع کرد - می خواهم عرض کنم که ما این بلا را پس خودمون آوردیم و هم آقای نورالدین امامی - آقای آشتیانی زاده آقای اخوی پاپوش دور نیست مردم یا کدامی است ولی بنده هم نظر آقایانم که نباید فاضی را عوض کرد (اینجا وقت بنده است که بگویی حاج سید نصرالله فتوی یکی از رؤسای بزرگ فراموشیها

بودند آقای امامی مرحوم حاج سید نصرالله یکی از بزرگن فراموشیها در ایران بوده تمام فراموشیها شریف هستند (نورالدین امامی - از آن کس مشروطیت بوده و خدمت کرده) با باین شهربانی اعمال خودش را با قانون تطبیق می کرد یا باید دادستان کل بدرجه یک مأمور کار آگاهی تزل می نمود چنانکه در دوره حکومت ۳۳ ساله چنین بود

وزارت دادگستری مستخدمه آقای مختاری بود تمام قضات سر سیرده شهربانی بودند هر روز رئیس شهربانی هر تصمیمی راجع بهر کس می گرفت آن فاضی که جرأت می کرد تمد کند دهنش را خورد میکردند و سینه می هم بهش میزدند و توی جیب می انداختندش (صحیح است) چون رابطه پلیس تربیت شده در گاهی و مختاری با قانون همانا مثل رابطه جن و بسم الله است بنابراین طریقه دوم را انتخاب کردند و برای تفرید دادستان شجاع و قانونی صبر کردند تا کثرت مدتی با آمریکا رفت و در قیاب ایشان این مرد رشید شریف را عوض کردند -

من بهیچوجه کاری بصلاحت یا عدم صلاحیت جانشین او ندارم ولی می رسم علت بر کداری دادستان کل چه بوده است؟ (صحیح است) آیا حائری شاه باغ رشوه گرفته بود؟ آیا قانون نمی دانست؟ آیا صلاحیت نداشت؟

چطور شد که تا چند ماه از حکومت کار آگاهی بشود شهربانی را تحت کنترل سخت گرفت و مانع از ارتکاب خیلی از جنایات شد

دست بسته زندانیان بی گناه و بدون تکلیف را که پلیس درمورخهای سلول ها چنانچه بود آزاد کرده هر کس باوشکایت می کرد بوظیفه قانونی خود عمل می نمود زیرا هر یکس که شرفت ناکار را بچنانی رساند که دستکهای پلیس کار آگاهی که رئیس شهربانی درصاحب خودش آنها را رشوه گیر و باج ستان از فاحشه ها معرفی کرده است برای پاپوش دوختن و توقیف بیجهت مردم دچار اشکال شدند و دیدند که تا حائری شاه باغ حافظ قانون و نظراجر است نمیشود دوره مختاری و بعد در گاهی را تجدید کرد

عرض می شود که همانطوریکه شروع کرده و آقای نورالدین امامی تصف فرمودند حرف بنده را قطع کرد - می خواهم عرض کنم که ما این بلا را پس خودمون آوردیم و هم آقای نورالدین امامی - آقای آشتیانی زاده آقای اخوی پاپوش دور نیست مردم یا کدامی است ولی بنده هم نظر آقایانم که نباید فاضی را عوض کرد (اینجا وقت بنده است که بگویی حاج سید نصرالله فتوی یکی از رؤسای بزرگ فراموشیها

بودند آقای امامی مرحوم حاج سید نصرالله یکی از بزرگن فراموشیها در ایران بوده تمام فراموشیها شریف هستند (نورالدین امامی - از آن کس مشروطیت بوده و خدمت کرده) با باین شهربانی اعمال خودش را با قانون تطبیق می کرد یا باید دادستان کل بدرجه یک مأمور کار آگاهی تزل می نمود چنانکه در دوره حکومت ۳۳ ساله چنین بود

وزارت دادگستری مستخدمه آقای مختاری بود تمام قضات سر سیرده شهربانی بودند هر روز رئیس شهربانی هر تصمیمی راجع بهر کس می گرفت آن فاضی که جرأت می کرد تمد کند دهنش را خورد میکردند و سینه می هم بهش میزدند و توی جیب می انداختندش (صحیح است) چون رابطه پلیس تربیت شده در گاهی و مختاری با قانون همانا مثل رابطه جن و بسم الله است بنابراین طریقه دوم را انتخاب کردند و برای تفرید دادستان شجاع و قانونی صبر کردند تا کثرت مدتی با آمریکا رفت و در قیاب ایشان این مرد رشید شریف را عوض کردند -

من بهیچوجه کاری بصلاحت یا عدم صلاحیت جانشین او ندارم ولی می رسم علت بر کداری دادستان کل چه بوده است؟ (صحیح است) آیا حائری شاه باغ رشوه گرفته بود؟ آیا قانون نمی دانست؟ آیا صلاحیت نداشت؟

چطور شد که تا چند ماه از حکومت کار آگاهی بشود شهربانی را تحت کنترل سخت گرفت و مانع از ارتکاب خیلی از جنایات شد

دست بسته زندانیان بی گناه و بدون تکلیف را که پلیس درمورخهای سلول ها چنانچه بود آزاد کرده هر کس باوشکایت می کرد بوظیفه قانونی خود عمل می نمود زیرا هر یکس که شرفت ناکار را بچنانی رساند که دستکهای پلیس کار آگاهی که رئیس شهربانی درصاحب خودش آنها را رشوه گیر و باج ستان از فاحشه ها معرفی کرده است برای پاپوش دوختن و توقیف بیجهت مردم دچار اشکال شدند و دیدند که تا حائری شاه باغ حافظ قانون و نظراجر است نمیشود دوره مختاری و بعد در گاهی را تجدید کرد

عرض می شود که همانطوریکه شروع کرده و آقای نورالدین امامی تصف فرمودند حرف بنده را قطع کرد - می خواهم عرض کنم که ما این بلا را پس خودمون آوردیم و هم آقای نورالدین امامی - آقای آشتیانی زاده آقای اخوی پاپوش دور نیست مردم یا کدامی است ولی بنده هم نظر آقایانم که نباید فاضی را عوض کرد (اینجا وقت بنده است که بگویی حاج سید نصرالله فتوی یکی از رؤسای بزرگ فراموشیها

بودند آقای امامی مرحوم حاج سید نصرالله یکی از بزرگن فراموشیها در ایران بوده تمام فراموشیها شریف هستند (نورالدین امامی - از آن کس مشروطیت بوده و خدمت کرده) با باین شهربانی اعمال خودش را با قانون تطبیق می کرد یا باید دادستان کل بدرجه یک مأمور کار آگاهی تزل می نمود چنانکه در دوره حکومت ۳۳ ساله چنین بود







مانده باشد. حالا برای جلوگیری از تفرق  
اضافی و برای صرفه جویی دستور داده شد  
است که این حکام با وزارت وقت مدارنه در  
سورتن که مادر زمین حال با دست و پا هم نامور  
هرستان ماوم از این نظر که راه داشته  
برای نفر است داشته باشم همین راجع  
بیودجه فرهنگ و کارگزاران تثنی  
دارم همانطور که قبلا مذاکره شده و  
وقت مجلس را نمی گیرم تثنی میکنم که کار  
آنیام و سورتن پیدا میکنند.

تلگرافهایی که توسط بنده رسیده  
بود کلا بتمام ریاست مجلس تقدیم شده  
است این تلگراف است که توسط آقای  
اورنگ از گروس راجع به پیشنهادی از دولت  
رسیده است و آقای اورنگ بنده لطف  
فرمودند که تقدیم مقام ریاست کنم  
(اورنگ - تشبلی مستحکم) و همچنین  
و انجمنی بانی که عازم خارجه هستند شرحی  
نوشته اند این را هم تثنی میکنم توجه  
بفرمایند و نیز آقای کشاورز صدر هم شرحی  
مرفوع فرموده اند که آنرا اینجا تقدیم  
مقام ریاست میکنم.

**کشاورز صدر** - مال آقای کریم  
پور شیرازی است که نوشته اند من فراموش  
گروم بخوانم.

**رئیس** - آقای مدلل دقیقه برای  
شایانی مانده است بفرمایند (نورالدین امامی -  
یک ساعت و ربع است که از مجلس میگذرد  
نظفهای قبل از دستور تمام نشده است؟  
شود آقایان باید توجه بفرمایند.

**مدلل** - بنده چند دقیقه فرصت  
داده اند که در این جا عرض میکنم ولی عرض  
بنده با چند دقیقه تمام نمی شود و احساس هم  
میکنم که امروز یک دوازدهم اینجاطرح  
خواهد شد و شاید بهتر باشد که کار مجلس  
جلو بیفتد لهذا منظر می کنم از استقاده  
کردن از این وقت اگر آخر جلسه اکثریتی  
باقی بود با اجازه آقایان وقت بیشتری می  
خواهم و عرض می کنم برای این که این  
مطلبی که بنده می خواهم عرض کنم یک  
مطلب معنی و کوچکی نیست یک مطلب  
اساسی است که میبایستی جلب نظر و توجه  
آقایان را باین موضوع بکنم با سه چهار  
دقیقه نمی توانم این موضوع را طرح کنم  
(یعنی از نمایندگان راجع به موضوع)  
راجع باوضاع کشور و اساسی و پیش آمد  
هایی که دارد می شود می خواهم صحبت  
کنم و بشنوم دارم که جلب نظر آقایان را  
خواهم کرده اگر میل دارید که بنده صحبت  
کنم **نمایندگان** - بفرمایند آقای  
بفرمایند.

**رئیس** - بفرمایند یعنی چه؟ وقت  
آقا صدقیه است اگر اجازه خود محتاج  
برای است.

**مدلل** - بنده عرض می کنم که  
آقایان در مجلس وقت عجز از آنکه بنده  
هر چیزی را بفرماید از این نظر که بنده  
روایت موضوع سیاست خارجی و دستور آن  
و اساس و وضعیت کلی در مجلس شورای ملی  
مورد مطالعه قرار میگرفت برای این که  
بسیاری از کلماتی که مادر بنده از این  
دوم است و میبایستی روشی که میبایستی می گیرم  
مورد تأیید مجلس شورای ملی میشد باشد  
و مادامت و نه بنده روی آن قدم بردارم  
موقفیت هائی که در این مجلس صورت شده  
است قدم قدم مقدم آمده و البته از تصور  
مجلس و تأیید مجلس گذشته است و جای  
خوشوقتی است و بنده چون خودم از  
طرفه از آن دولت هستم حاجت نیست دیگر  
در این باب تأیید بیشتر بکنم ولی الان  
نیام فشار دولت و افکار عمومی و مردم روی  
موضوع نفت است حق هم است بکوشم  
بسیار مهمی است و تأثیر بسزائی هم در  
اوضاع دارد اما بنده احساس میکنم که از  
یک موضوع اساسی دیگر هیچ چیزی در  
میان نیست و این موضوع دارد ریشه خانه  
استقلال و حیات ملت ما را می کند (بکنفر  
از نمایندگان - چه موضوع؟) و  
متزلزل می کند من هنوز که جناب آقای  
نعمت وزیر که بسلامتی در مسافرت هستند  
و دعای خیر ملت ایران بدرقه راه ایشان  
است قبل از این که ایشان تشریف بیاورند  
باندازه ای این موضوع را مهم می دانم که  
طرح می کنم و امیدوارم که نمایندگان روی  
آن صحبت بکنند تا وقتی که ایشان تشریف  
بیاورند تا یک تصمیم اساسی راجع باین  
موضوع بگیریم و آن قضیه عدلای است  
در مملکت ما که اینها قانونا ممنوع هستند  
از این جهت سیاسی خودشان کلماتی را  
که در قانون نوشته شده اند اگر بخواهیم  
بگیریم شاید بگویند که آن حکامه امروز  
باین افراد و باین دسته اطلاق نمی شود  
ولی یک حقایق را می بینیم و باید متذکر  
بکنیم که در منطقه ای از دنیا واقع شده اند  
که یا ما باید این قوانین را لغو بکنیم و  
تفسیر بکنیم که هر کس آزاد است و می تواند  
این جا هر کاری دلش می خواهد بکند  
اگر که این طور نیست ما میبایستی بیاییم  
با کشور برای مملکت خودمان و وضع خودمان  
بشیم و یکسری حسابی را بشیم این  
قدر روی موضوع را بوشانند و زمامت مالی  
کردن و خودمان را بخاطر و در نهایت آنجا  
بگردن خوب نیست بگردد در مقابل عملی  
واقع میشوم که آن روز شاید وقت نباشد  
که مایک مذاکراتی بکنیم برای این کار  
بنده قبلا می خواهم این توضیح را عرض  
بکنم که ما باید حقیقت بین باشیم یعنی بین  
حقایق چه یعنی بین آزادی که دارای  
نظریات اصلاحی هستند یا عقایدی که امروز

باید عرض کنم که فریق است میان حکومت  
و دولت روس باقی بگویند و کمونیسم  
و مادر اینها هر وقت بحث می کنیم یک  
احترامی داریم بدولتی که با ما بجای است  
و دولت دوست است دولت همسایه است که  
در بسیاری از موارد هم نماینده آن دولت  
با ما اظهار نظر موافقت و مساعدت می کند  
ولی بیایستی این دو موضوع را با هم مربوط  
بکنیم برای اینکه کشور ما شقیس دادوستد  
که تحت تسلط و روبر و عقیده کمونیستی  
نیایستی از یک و همچنین بنده با یستی  
این توضیح را عرض کنم که بیایستی این  
فکر وجود پیدا بکند که طرفداری از  
کارگری و طرفداری از طبقاتی که نظایر  
است در این مملکت و شرحش بطور کلی  
شاید نشده است این تنها از راه توسل  
به عقیده که نیستی است و ما اگر تثنی در  
تشکیلاتی داریم و در اطراف آن صحبت  
می کنیم برای اصلاح آن باید بپزاییم  
برای این است که خودمان میبایستی این  
مسائل را در نظر بگیریم و از دهان طبقات  
باین جهت باید بپزاییم و بپزاییم و باید  
دولتی تشکیلاتی بشیم و دولت را بپزاییم  
بگیریم که آن نقش را بپزاییم بکنم  
(بکنفر - چه؟) و بکنم (بکنفر -  
که چرا این موضوع اساسی در این مملکت  
بزرگ است؟) مملکت ما که کمونیسم  
امروز است طرح نشود و روی آن بحث  
نمیشود مگر شما آگاه نیستید که در زیر  
پرده چه خبر است و در اوضاع شما و  
احوالتان و بی آنکه مملکت چه رویای  
انتقاد شده است مثل این است که یک

باید عرض کنم که مملکت ما  
از انقلاب و اصلاح ما بخواهیم بپزاییم  
امروز تمام این مملکت را این موضوع  
هستند و در تحت نظر یک نماینده شومی  
یک جماعتی که با قریب خورده اند و  
بپزاییم هستند و این را روز بروز توسعه  
بدهند (بکنفر - چکار باید کرد؟) بنده  
تصور می کنم این از مسائلی است که  
میبایستی هم مجلس شورای ملی در دستور  
کارش قرار بدهد مردم دولت در نظر  
اصلی خودش بشمارد (صحیح است) می هم  
روز خودمان را باین در و آن در و  
تیم و غفلت بکنیم آشفته و بپزاییم  
که این مطلب از این برود شما چرا باین  
مطلب اصلی باین ریشه خنثی قضاوت بکنید  
این ملت توجه نمی کنید: بودجه مملکت  
باید روی این تنظیم بشود دولت  
روی این بیاید مجلس باید روی این تشکیل  
بشود انتقادات باید روی این شروع بشود  
بنده الان مواضع هستم می بینم بکری آنها  
نن حقیقت قضیه این است که فرد از افراد  
دکتر مصدق بنده شد آمد یک تری داشت  
یک فکری داشت این را طرح کرد از حق  
و انصاف هم نباید گذشت همه بدینا نشرفته  
و کند کردند این نهضت بزرگ که در این  
مملکت بوجود آمد این نشان داد که ما هنوز  
نمردیم ما زنده هستیم دارای فکر صحیح  
اساسی هستیم بی جهت نیست که پس از دوهزار  
و با صد سال تاریخ ما سر چهار راه دنیا  
دستمان را بیکرمان زده ایم و زنده و پائی  
هستیم بواسطه داشتن همین رویه است بواسطه  
داشتن همین صفت است این نهضت نشان  
داد که اگر برای هر کار اساسی و حسابی یک  
قائدی پیدا شود و یک پیشوائی پیدا  
شود و یک اساسی هم باشند مردم اسامکند از  
از اینکه بدیناال او بروند او آمد این کار  
زیاد خوب بود تمام می شود آنچه بزی که  
اصل است و باید دولت بآن توجه بکند  
این قضیه است این را می باید برای دولت  
و طبقه بکنند این را ملت و شما نمایندگان  
ملت میبایستی که این مطلب و این اصل  
را در نظر بگیرید بنده این روزها می بینم  
که دولت مواجه با فقر مالی است این  
فقر مالی نتیجه اش این می شود که هزینه  
زندگی مردم می رود بالا و نتیجه اش این  
می شود که مردم فقیر صدها می خورد البته  
آنها در مضیقه بیشتری هستند (بکنفر -  
تعداد بیشتری در فشار بیشتری می بینم  
که از این مطالب تنها دسته ای که ممکن  
است بد استفاده بکنند و این در بد چاره  
بنده و بد عمل بشود بکار آن دسته هستند  
(محمد علی مسعودی - اغنیایم بیاید نمایانهای  
خودشان را بدهند) این وضعیت مالی باید  
طوری تنظیم بشود یعنی این تشاری که  
بگزار نظر فداکاری با از نظر اصلاح

بوده و از نظر اصلاحی...  
از این نظر اصلاحی...  
باید روی این تنظیم بشود دولت  
روی این بیاید مجلس باید روی این تشکیل  
بشود انتقادات باید روی این شروع بشود  
بنده الان مواضع هستم می بینم بکری آنها  
نن حقیقت قضیه این است که فرد از افراد  
دکتر مصدق بنده شد آمد یک تری داشت  
یک فکری داشت این را طرح کرد از حق  
و انصاف هم نباید گذشت همه بدینا نشرفته  
و کند کردند این نهضت بزرگ که در این  
مملکت بوجود آمد این نشان داد که ما هنوز  
نمردیم ما زنده هستیم دارای فکر صحیح  
اساسی هستیم بی جهت نیست که پس از دوهزار  
و با صد سال تاریخ ما سر چهار راه دنیا  
دستمان را بیکرمان زده ایم و زنده و پائی  
هستیم بواسطه داشتن همین رویه است بواسطه  
داشتن همین صفت است این نهضت نشان  
داد که اگر برای هر کار اساسی و حسابی یک  
قائدی پیدا شود و یک پیشوائی پیدا  
شود و یک اساسی هم باشند مردم اسامکند از  
از اینکه بدیناال او بروند او آمد این کار  
زیاد خوب بود تمام می شود آنچه بزی که  
اصل است و باید دولت بآن توجه بکند  
این قضیه است این را می باید برای دولت  
و طبقه بکنند این را ملت و شما نمایندگان  
ملت میبایستی که این مطلب و این اصل  
را در نظر بگیرید بنده این روزها می بینم  
که دولت مواجه با فقر مالی است این  
فقر مالی نتیجه اش این می شود که هزینه  
زندگی مردم می رود بالا و نتیجه اش این  
می شود که مردم فقیر صدها می خورد البته  
آنها در مضیقه بیشتری هستند (بکنفر -  
تعداد بیشتری در فشار بیشتری می بینم  
که از این مطالب تنها دسته ای که ممکن  
است بد استفاده بکنند و این در بد چاره  
بنده و بد عمل بشود بکار آن دسته هستند  
(محمد علی مسعودی - اغنیایم بیاید نمایانهای  
خودشان را بدهند) این وضعیت مالی باید  
طوری تنظیم بشود یعنی این تشاری که  
بگزار نظر فداکاری با از نظر اصلاح

باید روی این تنظیم بشود دولت  
روی این بیاید مجلس باید روی این تشکیل  
بشود انتقادات باید روی این شروع بشود  
بنده الان مواضع هستم می بینم بکری آنها  
نن حقیقت قضیه این است که فرد از افراد  
دکتر مصدق بنده شد آمد یک تری داشت  
یک فکری داشت این را طرح کرد از حق  
و انصاف هم نباید گذشت همه بدینا نشرفته  
و کند کردند این نهضت بزرگ که در این  
مملکت بوجود آمد این نشان داد که ما هنوز  
نمردیم ما زنده هستیم دارای فکر صحیح  
اساسی هستیم بی جهت نیست که پس از دوهزار  
و با صد سال تاریخ ما سر چهار راه دنیا  
دستمان را بیکرمان زده ایم و زنده و پائی  
هستیم بواسطه داشتن همین رویه است بواسطه  
داشتن همین صفت است این نهضت نشان  
داد که اگر برای هر کار اساسی و حسابی یک  
قائدی پیدا شود و یک پیشوائی پیدا  
شود و یک اساسی هم باشند مردم اسامکند از  
از اینکه بدیناال او بروند او آمد این کار  
زیاد خوب بود تمام می شود آنچه بزی که  
اصل است و باید دولت بآن توجه بکند  
این قضیه است این را می باید برای دولت  
و طبقه بکنند این را ملت و شما نمایندگان  
ملت میبایستی که این مطلب و این اصل  
را در نظر بگیرید بنده این روزها می بینم  
که دولت مواجه با فقر مالی است این  
فقر مالی نتیجه اش این می شود که هزینه  
زندگی مردم می رود بالا و نتیجه اش این  
می شود که مردم فقیر صدها می خورد البته  
آنها در مضیقه بیشتری هستند (بکنفر -  
تعداد بیشتری در فشار بیشتری می بینم  
که از این مطالب تنها دسته ای که ممکن  
است بد استفاده بکنند و این در بد چاره  
بنده و بد عمل بشود بکار آن دسته هستند  
(محمد علی مسعودی - اغنیایم بیاید نمایانهای  
خودشان را بدهند) این وضعیت مالی باید  
طوری تنظیم بشود یعنی این تشاری که  
بگزار نظر فداکاری با از نظر اصلاح

باید روی این تنظیم بشود دولت  
روی این بیاید مجلس باید روی این تشکیل  
بشود انتقادات باید روی این شروع بشود  
بنده الان مواضع هستم می بینم بکری آنها  
نن حقیقت قضیه این است که فرد از افراد  
دکتر مصدق بنده شد آمد یک تری داشت  
یک فکری داشت این را طرح کرد از حق  
و انصاف هم نباید گذشت همه بدینا نشرفته  
و کند کردند این نهضت بزرگ که در این  
مملکت بوجود آمد این نشان داد که ما هنوز  
نمردیم ما زنده هستیم دارای فکر صحیح  
اساسی هستیم بی جهت نیست که پس از دوهزار  
و با صد سال تاریخ ما سر چهار راه دنیا  
دستمان را بیکرمان زده ایم و زنده و پائی  
هستیم بواسطه داشتن همین رویه است بواسطه  
داشتن همین صفت است این نهضت نشان  
داد که اگر برای هر کار اساسی و حسابی یک  
قائدی پیدا شود و یک پیشوائی پیدا  
شود و یک اساسی هم باشند مردم اسامکند از  
از اینکه بدیناال او بروند او آمد این کار  
زیاد خوب بود تمام می شود آنچه بزی که  
اصل است و باید دولت بآن توجه بکند  
این قضیه است این را می باید برای دولت  
و طبقه بکنند این را ملت و شما نمایندگان  
ملت میبایستی که این مطلب و این اصل  
را در نظر بگیرید بنده این روزها می بینم  
که دولت مواجه با فقر مالی است این  
فقر مالی نتیجه اش این می شود که هزینه  
زندگی مردم می رود بالا و نتیجه اش این  
می شود که مردم فقیر صدها می خورد البته  
آنها در مضیقه بیشتری هستند (بکنفر -  
تعداد بیشتری در فشار بیشتری می بینم  
که از این مطالب تنها دسته ای که ممکن  
است بد استفاده بکنند و این در بد چاره  
بنده و بد عمل بشود بکار آن دسته هستند  
(محمد علی مسعودی - اغنیایم بیاید نمایانهای  
خودشان را بدهند) این وضعیت مالی باید  
طوری تنظیم بشود یعنی این تشاری که  
بگزار نظر فداکاری با از نظر اصلاح

باید روی این تنظیم بشود دولت  
روی این بیاید مجلس باید روی این تشکیل  
بشود انتقادات باید روی این شروع بشود  
بنده الان مواضع هستم می بینم بکری آنها  
نن حقیقت قضیه این است که فرد از افراد  
دکتر مصدق بنده شد آمد یک تری داشت  
یک فکری داشت این را طرح کرد از حق  
و انصاف هم نباید گذشت همه بدینا نشرفته  
و کند کردند این نهضت بزرگ که در این  
مملکت بوجود آمد این نشان داد که ما هنوز  
نمردیم ما زنده هستیم دارای فکر صحیح  
اساسی هستیم بی جهت نیست که پس از دوهزار  
و با صد سال تاریخ ما سر چهار راه دنیا  
دستمان را بیکرمان زده ایم و زنده و پائی  
هستیم بواسطه داشتن همین رویه است بواسطه  
داشتن همین صفت است این نهضت نشان  
داد که اگر برای هر کار اساسی و حسابی یک  
قائدی پیدا شود و یک پیشوائی پیدا  
شود و یک اساسی هم باشند مردم اسامکند از  
از اینکه بدیناال او بروند او آمد این کار  
زیاد خوب بود تمام می شود آنچه بزی که  
اصل است و باید دولت بآن توجه بکند  
این قضیه است این را می باید برای دولت  
و طبقه بکنند این را ملت و شما نمایندگان  
ملت میبایستی که این مطلب و این اصل  
را در نظر بگیرید بنده این روزها می بینم  
که دولت مواجه با فقر مالی است این  
فقر مالی نتیجه اش این می شود که هزینه  
زندگی مردم می رود بالا و نتیجه اش این  
می شود که مردم فقیر صدها می خورد البته  
آنها در مضیقه بیشتری هستند (بکنفر -  
تعداد بیشتری در فشار بیشتری می بینم  
که از این مطالب تنها دسته ای که ممکن  
است بد استفاده بکنند و این در بد چاره  
بنده و بد عمل بشود بکار آن دسته هستند  
(محمد علی مسعودی - اغنیایم بیاید نمایانهای  
خودشان را بدهند) این وضعیت مالی باید  
طوری تنظیم بشود یعنی این تشاری که  
بگزار نظر فداکاری با از نظر اصلاح

باید روی این تنظیم بشود دولت  
روی این بیاید مجلس باید روی این تشکیل  
بشود انتقادات باید روی این شروع بشود  
بنده الان مواضع هستم می بینم بکری آنها  
نن حقیقت قضیه این است که فرد از افراد  
دکتر مصدق بنده شد آمد یک تری داشت  
یک فکری داشت این را طرح کرد از حق  
و انصاف هم نباید گذشت همه بدینا نشرفته  
و کند کردند این نهضت بزرگ که در این  
مملکت بوجود آمد این نشان داد که ما هنوز  
نمردیم ما زنده هستیم دارای فکر صحیح  
اساسی هستیم بی جهت نیست که پس از دوهزار  
و با صد سال تاریخ ما سر چهار راه دنیا  
دستمان را بیکرمان زده ایم و زنده و پائی  
هستیم بواسطه داشتن همین رویه است بواسطه  
داشتن همین صفت است این نهضت نشان  
داد که اگر برای هر کار اساسی و حسابی یک  
قائدی پیدا شود و یک پیشوائی پیدا  
شود و یک اساسی هم باشند مردم اسامکند از  
از اینکه بدیناال او بروند او آمد این کار  
زیاد خوب بود تمام می شود آنچه بزی که  
اصل است و باید دولت بآن توجه بکند  
این قضیه است این را می باید برای دولت  
و طبقه بکنند این را ملت و شما نمایندگان  
ملت میبایستی که این مطلب و این اصل  
را در نظر بگیرید بنده این روزها می بینم  
که دولت مواجه با فقر مالی است این  
فقر مالی نتیجه اش این می شود که هزینه  
زندگی مردم می رود بالا و نتیجه اش این  
می شود که مردم فقیر صدها می خورد البته  
آنها در مضیقه بیشتری هستند (بکنفر -  
تعداد بیشتری در فشار بیشتری می بینم  
که از این مطالب تنها دسته ای که ممکن  
است بد استفاده بکنند و این در بد چاره  
بنده و بد عمل بشود بکار آن دسته هستند  
(محمد علی مسعودی - اغنیایم بیاید نمایانهای  
خودشان را بدهند) این وضعیت مالی باید  
طوری تنظیم بشود یعنی این تشاری که  
بگزار نظر فداکاری با از نظر اصلاح







